



درس فارج فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: 25 شهریور 1394

موضوع کلی: القول فيما يجب فيه الخمس - الرابع: الغوص

مصادف با: 2 ذی الحجه 1436

موضوع جزئی: تذکر اخلاقی (منافع دانش اندوزی)

جلسه: 1

سال ششم

«الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله الطاهرين واللعن على اعدائهم اجمعين»

وجوب طلب علم

امروز روز اول سال تحصیلی 94-95 و روز شروع بحث است، لذا به حدیثی از ائمه معصومین (ع) تیرکا استناد می‌کنیم و از آن ارواح مقدسه و ذوات مطهره، طلب می‌کنیم که ان شاء الله شروع کار ما را، شروع تحصیل ما را یک شروع خوب، شروع مقدس و شروعی با برکت قرار بدهند. ایام مصادف با شهادت امام جواد (ع) است روایتی را از وجود مقدس ابن الرضا، امام جواد (ع) می‌خوانیم و امیدواریم به برکت کلمات نورانی امام جواد (ع) ما بتوانیم در حد توان به آنچه که وظیفه ما می‌باشد، عمل کنیم.

امام جواد (ع) می‌فرماید: «عَلَيْكُمْ بِطَلَبِ الْعِلْمِ فَإِنَّ طَلَبَهُ فَرِيضَةٌ وَ الْبَحْثُ عَنْهُ نَافِلَةٌ وَ هُوَ صِلَةٌ بَيْنَ الْأَخْوَانِ وَ دَلِيلٌ عَلَى الْمُرُوءَةِ وَ تَحْفَةٌ فِي الْمَجَالِسِ وَ صَاحِبٌ فِي السَّفَرِ وَ أُنْسٌ فِي الْغُرْبَةِ.»¹

امام جواد (ع) می‌فرمایند: بر شما باد به تحصیل و طلب علم و معرفت؛ «علیکم بطلب العلم» خود تأکید بر طلب علم، این یک معنای وسیع و عامی دارد، در مواردی نظیر این از ائمه (ع) می‌بینیم این تعبیر به کار رفته است: «علیکم بالصلاة» وقتی چیزی با اهمیت باشد این تعبیر به کار می‌رود. طلب علم و معرفت در عداد امور مهم ذکر شده و خود امام جواد (ع) وجه توصیه و تأکید بر طلب علم را ذکر فرموده‌اند؛ هم به حکم شرعی طلب علم و دانش اشاره کرده‌اند و هم به منافع آن در این دنیا تذکر داده‌اند، از یک طرف فرموده‌اند طلب علم و معرفت، واجب و فریضه است، مثل همان روایت معروف: «طلب العلم فریضة على كل مسلم و مسلمة» همان روایت معروف که هم از پیامبر و هم از ائمه معصومین (ع) نقل شده و در آن طلب علم به عنوان فریضه و واجب ذکر شده، این خیلی مهم است که ما طلب علم و معرفت را یک واجب شرعی و یک تکلیف شرعی بدانیم. این خیلی متفاوت است با این که ما به طلب علم و دانش به عنوان یک تفنن نگاه بکنیم. دانش طلبی و دانش جویی و علم اندوزی یک فریضه است. البته اینکه علم حقیقی چیست و آیا طلب هر علمی فریضه است یا نه، این باید در جای خودش مشخص شود اما قدر متیقن آن است که طلب علم الهی و معرفت حقیقی فریضه است.

1. كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة)، ج 2، ص: 347.

«وَالْبَحْثَ عَنْهُ نَافِلَةٌ»، بحث از علم مستحب است، طلب علم فریضه است و بحث از علم به عنوان یک امر مستحب معرفی شده؛ یعنی گفت‌وگوی علمی، مذاکره علمی، اینکه در گفت‌وگوها به مسائل علمی توجه شود و ما یک مجهولی را کشف کنیم، اگر طلب علم فریضه و بحث از آن نافله است دیگر اختصاص به ایام تحصیل و غیر تحصیل ندارد، حتی در ایام تحصیلی اگر ما با این نگاه به تحصیل علم بپردازیم چقدر مسئله متفاوت می‌شود. ما اگر تحصیل علم الهی را به عنوان یک فریضه و واجب بشماریم، قطعاً اوقات بیشتری را به آن اختصاص می‌دهیم، معمولاً بین مقاطع تحصیلی انقطاع پیدا می‌شود که بسیار به حال ما مضر است، اگر کسی عادت کند در فرصت و وقتی که دارد حتی زمانی که ایام تحصیل نیست، نیم ساعت، یک ساعت، کتابی را باز کند و یک مطلبی را یاد بگیرد، این ضمن اینکه به واجب عمل کرده، اثر اخروی هم برای او بیشتر دارد، یعنی جایگاه کسی که یک مطلبی را می‌داند با کسی که نمی‌داند، بر طبق نص قرآن یکی نیست البته با سایر شروط و مقدماتی که لازم است، جایگاه شخصی که با معرفت است، در بهشت، با کسی که از معرفت کمتری برخوردار است قطعاً متفاوت است.

اگر نگاه ما این چنین باشد که طلب علم را فریضه و بحث از آن را نافله بدانیم، این باعث تحول در زندگی ما می‌شود. دیگر طلب و تحصیل علم آخرین کار ما نخواهد بود، بلکه جزء اولین کارهای ما خواهد بود. اینکه کارهایی که در زندگی برای ما پیش می‌آید را مقدم کنیم بر درس و بحث، با این منطق سازگار نیست. جامعه اسلامی، جامعه‌ای است که افراد آن به تحصیل علم و دانش به عنوان فریضه نگاه می‌کنند و در همه گوشه و کنار مملکت اسلامی بحث و گفتگوی علمی جریان دارد. جامعه اسلامی یک جامعه زنده است، یک جامعه ای است که یویا است، هم برای رفع نیازهای معنوی و هم برای رفع نیازهای مادی، یک عالم طبیعی وقتی کوشش و تلاش می‌کند یک مجهول و یک رازی از رازهای عالم طبیعت را کشف کند این خودش ارزشمند است. هرچند بالاترین علوم، علم الهی و بالاترین معارف، معرفت الهی است، اما در این روایت فریضه بودن و نافله بودن تحصیل و بحث از علم منحصر به علم الهی نشده است.

در ادامه امام جواد (ع) به بعضی از آثار تحصیل علم و طلب و بحث علمی اشاره می‌کنند:

آثار فردی و اجتماعی دانش اندوزی

1- «وَهُوَ صِلَةٌ بَيْنَ الْإِخْوَانِ»؛ تحصیل علم باعث ارتباط بیشتر، کمک و مساعدت به دوستان و برادران است، این یک اثر اجتماعی است، اثری که نصیب سایرین می‌شود.

2- «وَدَلِيلٌ عَلَى الْمَرْوَةِ»؛ علم و معرفت، دلیل و نشانه مروت و جوان مردی است، طلب علم دهنده این است که صاحب آن و طالب علم، مروت و جوانمردی دارد مهم است که چه نسبتی بین طلب علم و بحث علمی و بین مروت و

جوانمردی وجود دارد. کسی که جاهل است مروت ندارد، اما عالم، طالب العلم و الباحث عن العلم، اهل مروت است این خودش نشانه مروت و جوانمردی است.

3- «وَتُحْفَةٌ فِي الْمَجَالِسِ»؛ بحث علمی و طلب علم مایه سرگرمی و هدیه‌ای گرانبها در مجالس می‌باشد. مجالس مسلمین و مؤمنین مجالسی است که صرفاً به بطالت و لغو و سخنان نامربوط نمی‌گذرد. بهترین و گرانبهاترین هدیه و سرگرمی در مجالس بحث علمی است. روح انسان با بحث علمی اوج می‌گیرد و نشاط پیدا می‌کند، اما بعضی از سخنان در مجالس و محافل نه تنها باعث اوج روح و تکامل نمی‌شوند بلکه باعث سقوط می‌شود مانعی ندارد، در مجالس، شوخی بجا، سخن گفتن در مورد احوال یکدیگر و بیان مشکلات بجا ولی قطعاً بخشی از محافل و مجالس ما باید صرف علم و دانش بشود.

4- «وَ صَاحِبٌ فِي السَّفَرِ»؛ علم و طلب علم و بحث علمی همدم انسان در سفر است. این خیلی مهم است ضمن اینکه نشان می‌دهد انسان هم در حضر و هم در سفر باید به دنبال علم و بحث علمی باشد و بگوید طلب علم وقت مشخصی ندارد، در عین حال یکی از بهترین همراهان انسان در سفر می‌باشد. ما در سفر هم باید عادت کنیم کتاب بخوانیم، هرکجا می‌رویم. بعضی این عادت را دارند که خیلی خوب می‌باشد. اگر سفر هم اقتضا نمی‌کند بحث‌های خاص و سنگین دنبال شوند، می‌توانید بحث‌های متنوع و مورد علاقه خود را دنبال کنید مهم این است که انسان دائماً در حال چیز یاد گرفتن باشد. چه همدمی در سفر بهتر از این که انسان اهل کتاب و کتابخوانی باشد، اهل مطالعه باشد، اهل گفتگوی علمی باشد.

5- «وَ أُنْسٌ فِي الْغُرْبَةِ»؛ طلب علم انیس انسان در تنهایی می‌باشد، کسی که اهل علم و دانش نیست، کسی که اهل تفکر نیست، کسی که اهل کشف مجهولات نیست و به کشف مجهولات اهمیت نمی‌دهد در تنهایی خیلی اذیت می‌شود، اما اگر کسی با علم و دانش مأنوس باشد تنهایی آزارش نمی‌دهد. ما عادت داریم تنهایی خود را با چیزهایی پرکنیم که وقتی دسترسی به آنها نداریم مارا اذیت می‌کند. یک کسی عادت دارد با رفیق سپری کند، یک کسی عادت دارد با مثلا دیدن فیلم تنهایی خود را سپری کند، عادات ما در مورد تنهایی‌هایمان متفاوت است. دو چیز در تنهایی خیلی می‌تواند مؤثر باشد: یکی علم و دانش و کتاب خواندن و دیگری معنویت و عبادت. کسانی که به این دو چیز عادت کنند، مخصوصاً در سالهایی که قهراً گرفتار غربت و تنهایی می‌شوند راحت‌تر زندگی می‌کنند. تنهایی‌های دوران جوانی مقطعی است، ممکن است کسی در دوران جوانی در یک شرایطی تنها بشود اما می‌گذرد، ولی سن انسان هرچه بالاتر می‌رود کم کم آن احساس در انسان قوت می‌گیرد و تنهایی بیشتر آزارش می‌دهد، هرچند که صاحب فرزند و عشیره باشد، فرزند و عشیره به دنبال کار خود می‌روند، اکثر اوقات اشخاص مسن ممکن است به این شکل بگذرد، لذا افسردگی پیدا می‌کنند،

اگر برنامه ریزی برای زندگی نداشته باشند دچار افسردگی می‌شوند، این معنا را ممکن است جوانترها و امثال بنده و شما به خوبی درک نکنیم ولی به مرور، سن که بالا می‌رود به شدت این مسئله می‌تواند آزار دهنده باشد. کسی که عادت دارد به طلب علم و بحث علمی، خواندن کتاب یا اهل عبادت و دعا و راز و نیاز است، این شخص ناراحت نمی‌شود. انسان نیاز به معاشرت و بودن در جمع و همراهی دارد، اما آنچه که مهم است، این است که در دوران تنهایی خود، در دروانی که گرفتار غربت می‌شود، چه در ایام جوانی و چه در ایام پیری، انیسی برای خودش داشته باشد و بهترین انیس علم و عبادت است.

باید تلاش کنیم از علم و عبادت لذت ببریم، تحصیل علم و عبادت برای ما تحمیل نباشد، بلکه اشتیاق به این دو پیدا بکنیم. اشتیاق به این دو هم در صورتی حاصل می‌شود که ما در عمق این دو رکن دقت بکنیم: علم را فریضه بدانیم، طلب علم را فریضه بدانیم، بحث علمی را نافله بدانیم، به منافع آن توجه کنیم، به آثار فردی و اجتماعی و آثار دنیوی و اخروی آن توجه کنیم، اگر به عمق این مسئله توجه کنیم اشتیاق ما افزون‌تر می‌شود، و در این صورت از تلاش علمی نشاط حاصل می‌شود. هرکاری را که انسان بخواهد تحمیلی و با بی میلی انجام بدهد برای انسان سخت می‌گذرد. بهترین کارها اگر توسط کسی با بی میلی انجام بشود برای او سخت است. سخت‌ترین کارها اگر توسط عامل با رغبت انجام شود بسیار شیرین می‌شود. این خیلی مهم است که ما با چه انگیزه‌ای و با چه درجه‌ای از نشاط وارد تلاش علمی شویم. اگر با انگیزه و علاقه وارد شویم آن‌گاه علاقه و نشاط ما در تلاش علمی صد چندان می‌شود. بالاترین لذت‌ها را در این دنیا، می‌گویند لذت عقلی است، برای انسان‌های سطح پایین مثل ما، لذت در خوردن و خوراک و شهوت و محسوسات است، اما لذت روحی بالاترین لذت است، اما چون ما کمتر دسترسی داریم به آن لذتها، لذا تصور روشنی از لذتهای عقلی و روحی نداریم. قطعاً عمق لذت روحی و عقلی برای موجودی به نام انسان با هیچ لذت دیگری قابل مقایسه نیست. وقتی کسی واقعا به دنبال کشف یک مجهول باشد، لذتی که از معلوم شدن آن مجهول برای او حاصل می‌شود، به هیچ وجه با لذات دیگر قابل مقایسه نیست. باید این لذت را بدست بیاوریم. در این دنیا لذت عقلی و روحی به هر حال یک مرتبه و مرحله‌ای بالاتر از لذتهای دیگری است. شما بعضی از لذتها را برای کودک به هیچ وجه نمی‌توانید توصیف کنید. شما سطح لذات یک کودک را نگاه کنید با سطح لذات یک نوجوان و جوان، چقدر تفاوت دارند. اگر کودک به لذت‌های جوانی برسد و آن را بفهمد، اصلاً آن لذتهای دوران کودکی دیگر برایش معنایی ندارد. لذتهایی که ما در این دنیا خودمان را به آن مشغول کرده‌ایم، نسبت به لذتهای عقلی و روحی در همین دنیا مثل لذت کودک است از بازی با یک وسیله اسباب بازی، نسبت به لذتی که یک جوان از جوانی و نشاط جوانی و تازگی و شادابی می‌برد. ما باید دریچه‌ای از آن لذتها را برای خودمان باز بکنیم. واقعاً باید با این دید درس و بحث را شروع

کنیم. خستگی دارد، ولی اگر ما با این دید و انگیزه وارد بشویم آنوقت از این تلاش و نشاط علمی خیلی بیشتر از آنچه که در اطراف ما می‌باشد لذت خواهیم برد.

به هر حال ما در شروع سال تحصیلی باید از خداوند تبارک و تعالی و ائمه معصومین (ع) بخواهیم و همت هم بکنیم، بخواهیم که خداوند به ما توفیق بدهد برای درک اهمیت طلب علم و دانش و لذت مباحثه علمی، از خداوند بخواهیم که به ما توان و انگیزه و نشاط کامل را برای پیگیری مباحثات علمی عنایت کند و به ما پاکی و طهارت روح بدهد تا یک ظرفی بشویم برای دریافت علم و معارف الهی؛ چون اگر ظرف و روح ما پاک نباشد علم و معارف الهی در آن نه تنها مفید و سودمند نخواهد بود، بلکه فاسد می‌شود و فساد روح انسان، انسانی که اصطلاحات را بلد می‌باشد، علم و معارف الهی را می‌داند بسیار بدتر است از فساد کسی که اینها را نمی‌داند، چون پاکترین طعام، لذیذترین شراب، اگر در ظرف فاسد ریخته شود به سرعت فاسد شده و هرکس از این طعام و شراب بخورد و بیاشامد، فاسد می‌شود. مخصوصاً در علم الهی و معارف اسلامی و معارف اهل بیت این ظرف خیلی مهم است. طهارت روح، پاکی روح، پاکی قلب، آنوقت این اگر باشد توفیقات را چند برابر می‌کند، نشاط را بیشتر می‌کند، لذتهای عقلی و روحی را مضاعف می‌کند.

پس باید مواظب باشیم ان شاء الله با بال علم و بال معنویت، فرصتهایی که برای ما پیش می‌آید، یعنی فرصت پرواز را از دست ندهیم. هرکسی به سهم خودش و البته خداوند تبارک و تعالی انسان را به حسب توان و استعدادش مورد سوال قرار می‌دهد. هرکس با استعداد تر و با توان تر باشد، قطعاً سوال از او بابت آنچه کرده و نکرده بیشتر خواهد بود.

امیدوارم امسال، سال با برکتی برای مراکز علمی چه دانشگاه‌ها، و چه حوزه‌های علمیه باشد، برکت علمی و برکت معنوی، هم اساتید و هم دانشجویان و طلاب، هم فضلا بتوانند در این سال تحصیلی گامهای مؤثری برای رشد و تعالی خودشان و جامعه بردارند، البته، یکی از ابزارهای مهم برای ایفای نقش و مسئولیت طلاب، دانشجویان، اساتید و فضلاء در این دوران این است که نسبت به زمانه خودشان بیگانه و غافل نباشند. ان شاء الله در این جهت در جلسه بعدی نکته‌ای را عرض خواهم کرد.

خداوند به همه ما و شما توفیق طلب علم و بحث علمی عنایت بفرماید.

«الحمد لله رب العالمین»